

بازتاب اسطوره‌شناختی آب در ادبیات روسی: از باورهای اسلاوی درباره رودخانه و دریا تا بازآفرینی ادبی *The Mythological Significance of Water in Russian Literature: From Slavic Beliefs to Literary Reinterpretation*

ثمین بابازاده^۱

۱ - کارشناسی ارشد مطالعات منطقه (آسیای مرکزی و قفقاز)، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ORCID: 0009-0002-1639-1387 sm.babazade@gmail.com

چکیده

آب، این منشأ حیات، در جهان اسطوره‌ها و افسانه‌های فرهنگ‌های مختلف، تنها عنصری زندگی‌بخش نیست، بلکه با مفاهیمی چون آفرینش، دگرگونی، شفابخشی و مرز میان جهان انسانی و فراطبیعی پیوندی عمیق دارد. انسان از دیرباز برای شناخت و درک پدیده‌های هستی و کشف ابعاد ناشناخته طبیعت، از شیوه‌های گوناگونی بهره گرفته است که اسطوره یکی از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. اسطوره از نخستین شیوه‌های تبیین جهان در اندیشه بشر است که انسان از طریق آن، پدیده‌های طبیعی و نیروهای ناشناخته پیرامون خود را معنا می‌بخشید. این روایت‌ها، متأثر از ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی هر جامعه، بازتاب‌دهنده جنبه‌های بنیادین فرهنگ و جهان‌بینی ملت‌ها هستند. بن‌مایه‌های اسطوره‌ای نیز به شیوه‌های گوناگون در باورهای عامیانه، روایت‌های فولکلوریک و آثار ادبی بازتاب یافته‌اند و زمینه را برای بازتفسیر و بازآفرینی ادبی آن‌ها فراهم کرده‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی بازتاب و دگرگونی بن‌مایه‌های اسطوره‌شناختی آب در ادبیات روسی، به مطالعه رابطه میان سنت‌های اسلاوی و بازنمایی ادبی آب می‌پردازد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و بر خوانش تطبیقی منابع اسطوره‌شناختی و فولکلوریک با سه اثر منتخب از ادبیات روسی، شامل نمایشنامه ناتمام «روسالکا» اثر الکساندر پوشکین، «شب ماه مه، یا دختر غرق‌شده» اثر نیکلای گوگول و داستان «تامن» از رمان «قهرمان عصر ما» اثر میخائیل لرمونتف، استوار است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آب در این آثار، متناسب با ساختار روایت و شیوه بازنمایی نویسندگان، کارکردها و معانی متفاوتی می‌یابد و با مفاهیمی چون مرگ، دگرگونی، پیوند میان جهان زندگان و مردگان و مواجهه با ناشناخته‌ها ارتباط پیدا می‌کند. از این منظر، عناصر اسطوره‌ای و فولکلوریک در فرایند بازآفرینی ادبی، صرفاً بازتاب باورهای کهن باقی نمی‌مانند، بلکه در بستر هر اثر، در شکل‌گیری معانی و دلالت‌های تازه نقش ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: اسطوره‌شناسی اسلاوی، اسطوره، ادبیات روسی، رودخانه، دریا، فولکلور، بازآفرینی اسطوره

Abstract

Water, the source of life, is not merely a life-giving element in the myths and legends of cultures around the world; it is also deeply associated with concepts such as creation, transformation, healing, and the boundary between the human and supernatural worlds. Throughout history, humans have employed various means to understand the phenomena of existence, and mythology has been one of the earliest. Mythology represents one of humanity's earliest ways of explaining the world and making sense of the unknown dimensions of nature. Shaped by geographical, political, economic, and religious factors, myths reflect fundamental aspects of the cultures and worldviews of different peoples. Mythological motifs have been expressed in various forms through folk beliefs, folkloric narratives, and literary works, providing a basis for their reinterpretation and recreation in literature. This study examines how mythological motifs associated with water are represented and transformed in Russian literature, focusing on the relationship between Slavic traditions and the literary representation of water. It adopts a descriptive-analytical approach based on a comparative reading of mythological and folkloric sources alongside three selected works of Russian literature: Alexander Pushkin's *Rusalka*, Nikolai Gogol's *May Night, or the Drowned Maiden*, and *Taman*, a story within Mikhail Lermontov's novel *A Hero of Our Time*. The findings indicate that, depending on the narrative structure and each author's mode of representation, water assumes different meanings and functions in these works, becoming associated with death, transformation, the relationship between the living and the dead, and encounters with the unknown. From this perspective, mythological and folkloric elements do not remain mere reflections of ancient beliefs; rather, they acquire new meanings and literary significance through the process of literary reinterpretation.

Keywords: Slavic Mythology, Myth, Russian Literature, River, Sea, Folklore, Myth Reinterpretation



Copyright: © 2026 by the authors. Licensee *Russian Language Studies Journal*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY)

license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

۱/۱. بیان مسئله

با وجود انجام پژوهش‌های مختلف درباره اسطوره‌شناسی و سنت‌های اسلاوی، بررسی رابطه میان بن‌مایه‌های اسطوره‌شناختی آب و بازتاب آن‌ها در ادبیات روسی همچنان نیازمند توجه به تفاوت میان باورهای عامیانه و کارکرد ادبی این عناصر است. رودخانه و دریا در اسطوره‌ها و روایت‌های فولکلوریک اسلاوی با مفاهیمی چون زندگی، مرگ، دگرگونی و ارتباط میان جهان انسانی و فراطبیعی پیوند دارند؛ باین‌حال، بازتاب این عناصر در ادبیات را نمی‌توان لزوماً تداوم مستقیم باورهای کهن دانست. نویسندگان ممکن است عناصر اسطوره‌ای و فولکلوریک را متناسب با ساختار روایت، ویژگی‌های شخصیت‌ها و زمینه‌های فرهنگی و ادبی هر اثر بازتفسیر کنند و به آن‌ها معناها و کارکردهای تازه‌ای ببخشند. ازاین‌رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی چگونگی بازنمایی و دگرگونی بن‌مایه‌های اسطوره‌شناختی آب در سه اثر منتخب ادبیات روسی، یعنی «روسالکا» اثر الکساندر پوشکین، «شب ماه مه، یا دختر غرق‌شده» اثر نیکلای گوگول و «تامان» از رمان «قهرمان عصر ما» اثر میخائیل لرمانتف است. این پژوهش می‌کوشد با بررسی تطبیقی منابع اسطوره‌شناختی و فولکلوریک و خوانش ادبی این آثار، وجوه اشتراک و تفاوت میان سنت‌های روایی و بازنمایی ادبی آب را روشن سازد و نشان دهد که این عنصر چگونه در هر اثر، متناسب با ویژگی‌های روایی و شیوه پرداخت نویسنده، کارکردها و دلالت‌های متفاوتی پیدا می‌کند.

۱/۲. پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. آب، به‌ویژه رودخانه و دریا، در اسطوره‌شناسی و روایت‌های فولکلوریک اسلاوی چه جایگاهی دارد و با چه مفاهیم و باورهایی پیوند می‌یابد؟
۲. کدام بن‌مایه‌ها و عناصر اسطوره‌شناختی و فولکلوریک مرتبط با آب، از جمله مرگ، دگرگونی، مرز میان جهان انسانی و فراطبیعی و موجودات اسطوره‌ای، در سه اثر منتخب بازتاب یافته‌اند؟
۳. پوشکین، گوگول و لرمانتف چگونه عناصر اسطوره‌شناختی و فولکلوریک مرتبط با آب را در آثار خود بازآفرینی کرده‌اند و چه تغییراتی در معنا و کارکرد آن‌ها پدید آورده‌اند؟
۴. بازنمایی آب در این سه اثر چه تفاوت‌هایی با الگوها و باورهای بازتاب‌یافته در روایت‌های اسطوره‌ای و فولکلوریک دارد و این تفاوت‌ها چه چیزی درباره کارکرد ادبی بن‌مایه‌های آب نشان می‌دهند؟

۱/۳. پیشینه پژوهش

وینوگرادووا (۱۹۹۵) در پژوهشی درباره روسالکا در آیین‌ها و باورهای اسلاوی، به بررسی جایگاه این موجود در سنت‌های عامیانه اسلاوها می‌پردازد. یکی از نکات مهم این پژوهش، تمایز میان روسالکای فولکلوریک و تصویر رایج آن در ادبیات رمانتیک است. به نظر نویسنده، تصویر روسالکا به‌عنوان دختری زیبا و اغواگر که در آب زندگی می‌کند، تا اندازه زیادی تحت تأثیر

بازنمایی‌های ادبی شکل گرفته و نمی‌توان آن را بازتاب کامل باورهای عامیانه دانست. این دیدگاه برای پژوهش حاضر اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که عناصر اسطوره‌ای هنگام انتقال از فرهنگ شفاهی به ادبیات، ممکن است دستخوش تغییر شوند و معانی تازه‌ای پیدا کنند.

زیداریک (۲۰۰۳) در پژوهشی تطبیقی درباره موجودات آبی و روسالکا در ادبیات و اپرای آلمان و روسیه در سده نوزدهم، تأثیر سنت‌های ادبی اروپایی را بر شکل‌گیری تصویر ادبی موجودات آبی بررسی می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که بازنمایی روسالکا در ادبیات روسی را نمی‌توان تنها بر اساس باورهای اسلاوی توضیح داد؛ زیرا روایت‌های اروپایی درباره موجودات آبی و سنت ادبی رمانتیسیم نیز در شکل‌گیری این تصویر نقش داشته‌اند. این نکته به‌ویژه در بررسی اثر پوشکین اهمیت دارد و ضرورت توجه به رابطه میان باورهای عامیانه، تأثیرات ادبی و انتخاب‌های نویسندگان را روشن می‌کند.

کیم و پارک (۲۰۲۲) در پژوهشی درباره بن‌مایه آب در باورهای عامیانه اسلاوی، معانی و کارکردهای این عنصر را در اسطوره‌های آفرینش، تصور درخت جهان و فرهنگ عامیانه اسلاوی بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آب می‌تواند هم‌زمان با آفرینش و نابودی، زندگی و مرگ، پاکی و آلودگی و نیروهای شفابخش و ویرانگر ارتباط داشته باشد. این رویکرد به شناخت ظرفیت‌های معنایی آب در سنت‌های اسلاوی کمک می‌کند؛ بااین‌حال، برای تحلیل ادبی باید افزون بر شناسایی این معانی، بررسی کرد که هر نویسنده چگونه آن‌ها را در ساختار روایت و روابط میان شخصیت‌ها به کار می‌گیرد.

آدژیم (۲۰۲۱) در پژوهشی درباره تصویر روسالکای غرق‌شده در ادبیات رمانتیک روسیه، ویژگی‌های روسالکا در باورهای عامیانه را با بازنمایی آن در آثار ادبی مقایسه می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که تصویر ادبی روسالکا در آثار مختلف، با وجود برخورداری از برخی ویژگی‌های مشترک فولکلوریک، شکل یکسانی ندارد و متناسب با شیوه شخصیت‌پردازی و ساختار هر اثر تغییر می‌کند. اهمیت این پژوهش برای مطالعه حاضر در آن است که امکان مقایسه تصویر روسالکا در آثار پوشکین و گوگول را فراهم می‌آورد. بااین‌حال، بررسی تفاوت‌های این آثار همچنان نیازمند توجه مستقیم به زبان، ساختار روایی و زمینه فرهنگی هر متن است.

بوگدانو و لیو (۲۰۲۲) در پژوهشی درباره جهان افسانه‌ای و اسطوره‌ای داستان «روسیا» اثر ایوان بونین، نقش فولکلور روسی را در شکل‌گیری فضای ادبی داستان بررسی کرده‌اند. آن‌ها به بن‌مایه‌ها و تصاویر فولکلوریک و ارتباط آن‌ها با فضای روایی و شخصیت زن داستان توجه دارند. این پژوهش نمونه‌ای از مطالعاتی است که نشان می‌دهد عناصر اسطوره‌ای در ادبیات صرفاً به‌صورت باورهایی بازممانده از گذشته ظاهر نمی‌شوند، بلکه در شکل‌گیری جهان داستانی و معانی اثر نقش دارند. بااین‌حال، موضوع و ساختار این داستان با آثار منتخب پژوهش حاضر متفاوت است و نتایج آن باید با توجه به این تفاوت‌ها به کار گرفته شود.

اگوروا (۲۰۱۹) در پژوهشی درباره کارکرد آب به‌عنوان وسیله‌ای جادویی در قصه‌های پریان روسی، ویژگی‌های شگفت‌انگیز آب و تحول تاریخی باورهای مرتبط با آن را بررسی می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که آب در روایت‌های عامیانه می‌تواند با شفابخشی، بازگرداندن زندگی، توان بخشی و تحقق عدالت ارتباط پیدا کند و معانی آن در پیوند با باورهای کهن و جهان‌بینی مسیحی تغییر یابد. این یافته‌ها برای شناخت پیشینه فولکلوریک معانی آب سودمندند؛ اما از آنجا که موضوع پژوهش اگوروا

قصه‌های پریان است، نمی‌توان نتایج آن را بدون توجه به تفاوت‌های ژانری مستقیماً به نمایشنامه و داستان‌های ادبی تعمیم داد.

پوگربنایا (۲۰۲۱) در پژوهشی درباره نشانه‌شناسی کهن‌الگوی آب در رمان «قهرمان عصر ما» اثر لرمانتف، کارکردهای معنایی آب و عناصر مرتبط با آن را در سازمان‌دهی فضای رمان بررسی می‌کند. او به نقش دریاها، رودخانه‌ها، چشمه‌ها و دیگر جلوه‌های آب و نیز پیوند آن‌ها با مرز میان جهان آشنا و ناآشنا توجه دارد. اهمیت این پژوهش برای مطالعه حاضر در آن است که آب را نه صرفاً عنصری طبیعی، بلکه عاملی مؤثر در شکل‌گیری مرزهای روایی و معنایی اثر در نظر می‌گیرد. باین‌حال، تحلیل داستان «تامان» مستلزم توجه دقیق‌تر به ویژگی‌های خاص این بخش از رمان است؛ از جمله فضای ساحلی، ارتباط آب با خطر و ناشناختگی و کاربرد نام «اوندینا» برای توصیف شخصیت دختر. بررسی این عناصر می‌تواند نشان دهد که چگونه تصویر موجود آبی در پیوند با سنت‌های اسطوره‌ای و ادبی، در روایت لرمانتف کارکردی تازه پیدا می‌کند.

زیولکوفسکی (۲۰۱۱) در کتابی درباره رودخانه‌ها در ادبیات روسی، بازنمایی ادبی و فولکلوریک پنج رودخانه مهم، یعنی دنیپر، ولگا، نوا، دن و آنگارا، را در بستر جغرافیایی و تاریخی آن‌ها بررسی می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که رودخانه‌ها در ادبیات روسی می‌توانند افزون بر ویژگی‌های طبیعی خود، حامل معانی فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و نمادین باشند. اهمیت این پژوهش برای مطالعه حاضر در توجه به پیوند میان جغرافیای طبیعی، حافظه فرهنگی و تخیل ادبی است. باین‌حال، تمرکز کتاب بر بازنمایی رودخانه‌هاست؛ درحالی‌که پژوهش حاضر علاوه بر فضای آبی، به موجودات اسطوره‌ای، مرگ، دگرگونی و مرز میان جهان انسانی و فراطبیعی نیز توجه دارد.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که مطالعات مربوط به آب در سنت‌های اسلاوی و ادبیات روسی، ابعاد مختلفی از این موضوع را بررسی کرده‌اند. برخی پژوهش‌ها بر باورهای عامیانه، آیین‌ها و ویژگی‌های موجودات اسطوره‌ای تمرکز دارند؛ برخی دیگر، تأثیر سنت رمانتیک اروپایی بر بازنمایی موجودات آبی را بررسی می‌کنند؛ و گروهی نیز به کارکردهای نمادین و نشانه‌شناختی آب در آثار ادبی می‌پردازند. این مطالعات زمینه نظری مناسبی برای بررسی رابطه میان باورهای فولکلوریک و بازآفرینی ادبی فراهم می‌کنند.

باین‌حال، مقایسه مستقیم منابع اسطوره‌شناختی و فولکلوریک با خوانش نزدیک سه اثر منتخب، همچنان می‌تواند به روشن‌تر شدن تفاوت میان الگوهای عامیانه و کارکردهای ادبی آب کمک کند. پژوهش حاضر در همین راستا، نمایشنامه ناتمام «روسالکا» اثر پوشکین، داستان «شب ماه مه، یا دختر غرق‌شده» اثر گوگول و داستان «تامان» از رمان «قهرمان عصر ما» اثر لرمانتف را بررسی می‌کند. انتخاب این آثار امکان مقایسه سه شیوه متفاوت بازنمایی آب را فراهم می‌سازد: بازنمایی آب در پیوند با مرگ و روابط اجتماعی، حضور موجودات اسطوره‌ای در فضای روایی متأثر از فولکلور، و شکل‌گیری فضای خطر و ناشناختگی در محیط ساحلی.

وجه تمایز پژوهش حاضر، صرفاً شناسایی بن‌مایه‌های مشترک آب در این آثار نیست؛ بلکه بررسی این مسئله است که این بن‌مایه‌ها چگونه در ساختار روایت، شخصیت‌پردازی و انتخاب‌های زبانی نویسندگان تغییر می‌کنند و چه معانی تازه‌ای می‌یابند. همچنین، در بررسی اثر گوگول، توجه به زمینه فرهنگی اوکراینی و سنت‌های فولکلوریک مرتبط با آن ضروری است تا تفاوت میان زمینه‌های فرهنگی اسلاوی شرقی نادیده گرفته نشود.

۱/۴. خلا پژوهشی

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده درباره جایگاه آب در باورهای اسطوره‌ای و عامیانه اسلاوها و نیز بازنمایی عناصر آبی و موجودات افسانه‌ای مرتبط با آن در ادبیات روسی، به نظر می‌رسد پیوند میان این دو حوزه همچنان ظرفیت بررسی بیشتری دارد. بخشی از مطالعات پیشین بر ثبت و تحلیل باورهای عامیانه و اسطوره‌شناختی، از جمله باورهای مرتبط با روسالکا و کارکردهای جادویی آب، متمرکز بوده‌اند و بخشی دیگر، بازنمایی این عناصر را در آثار ادبی مشخص بررسی کرده‌اند. با این حال، بررسی هم‌زمان بن‌مایه‌های اسطوره‌ای آب در باورهای اسلاوی و چگونگی بازآفرینی، دگرگونی و کسب معانی تازه آن‌ها در ادبیات روسی، می‌تواند به درک دقیق‌تری از رابطه میان سنت فولکلوریک و آفرینش ادبی بینجامد. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر بازتاب اسطوره‌شناختی آب در ادبیات روسی، می‌کوشد نشان دهد که چگونه باورهای مرتبط با رودخانه، دریا و موجودات فراطبیعی وابسته به آب در آثار ادبی بازنمایی می‌شوند و در جریان این بازآفرینی، چه تغییراتی در معنا و کارکرد آن‌ها پدید می‌آید.

۱/۵. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و از طریق مطالعه منابع مرتبط با اسطوره‌شناسی اسلاوی، باورهای عامیانه، فولکلور و ادبیات روسی گردآوری شده‌اند. در این پژوهش، ابتدا درون مایه و نمادهای اسطوره‌ای مرتبط با آب در باورهای اسلاوی بررسی می‌شوند؛ سپس بازتاب و بازآفرینی این بن‌مایه‌ها در سه اثر منتخب ادبیات روسی، با تمرکز بر معانی نمادین آب و دگرگونی عناصر اسطوره‌ای و فولکلوریک در بستر ادبی، به روش توصیفی - تحلیلی تحلیل می‌شود.

۱/۶. ساختار مقاله

مقاله در شش بخش سازمان‌دهی شده است. پس از مقدمه، بخش دوم به بررسی باورهای اسطوره‌ای اسلاوها درباره آب اختصاص دارد. بخش سوم چارچوب نظری پژوهش را تبیین می‌کند. در بخش چهارم، سه اثر منتخب ادبیات روسی تحلیل می‌شوند. بخش پنجم به بررسی تطبیقی یافته‌ها و بخش ششم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲. آب در اسطوره‌شناسی اسلاوی و باورهای عامیانه

آب در اسطوره‌شناسی و فرهنگ عامیانه اسلاوها، افزون بر نقش طبیعی خود، با مجموعه‌ای از تصورات درباره آفرینش جهان، پیدایش حیات، مرگ، تطهیر و ارتباط انسان با نیروهای فراطبیعی پیوند دارد. رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دیگر پهنه‌های آبی در باورهای سنتی می‌توانستند هم منشأ برکت و تداوم زندگی باشند و هم با خطر، ناشناختگی و جهان مردگان ارتباط پیدا کنند. این معانی در روایت‌های اسطوره‌ای، قصه‌های عامیانه، آیین‌های فصلی و باورهای مربوط به موجودات فراطبیعی بازتاب یافته‌اند. از این منظر، آب نه تنها بخشی از محیط طبیعی، بلکه عنصری معنادار در شکل‌گیری جهان‌بینی و تخیل جمعی جوامع اسلاوی بوده است.

باین‌حال، اسطوره‌شناسی اسلاوی را نباید مجموعه‌ای یکپارچه و ثابت از باورها دانست. سنت‌های اسطوره‌ای و عامیانه در مناطق مختلف جهان اسلاوی، از جمله روسیه، اوکراین و بلاروس، تفاوت‌هایی داشته‌اند و در گذر زمان، تحت تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی و گسترش مسیحیت دگرگون شده‌اند. از این‌رو، معانی نمادین آب و ویژگی‌های موجودات وابسته به آن را باید با توجه به زمینه جغرافیایی، فرهنگی و روایی هر سنت بررسی کرد. این تمایز به‌ویژه در پژوهش حاضر اهمیت دارد؛ زیرا بازنمایی ادبی باورهای عامیانه را نمی‌توان لزوماً بازتاب مستقیم و بدون تغییر آن‌ها دانست.

در ادامه، ابتدا مهم‌ترین کارکردهای نمادین آب در باورهای اسلاوی بررسی می‌شود و سپس دو موجود مرتبط با آب، یعنی روسالکا و وودیانوی، معرفی خواهند شد. بررسی این دو موجود زمینه لازم را برای تحلیل چگونگی بازتاب و دگرگونی عناصر اسطوره‌ای و فولکلوریک در آثار پوشکین، گوگول و لرمانتف فراهم می‌کند.

۲/۱. جایگاه آب در اسطوره‌شناسی اسلاوی و باورهای عامیانه

آب در اسطوره‌شناسی اسلاوی یکی از عناصر بنیادین در تبیین منشأ جهان و نظم کیهانی است. در روایت‌های اسطوره‌ای، آب با آفرینش، باروری و پیدایش حیات ارتباط دارد؛ باین‌حال، معنای آن به جنبه‌های حیات‌بخش محدود نمی‌شود و مفاهیمی چون آشوب، ویرانی، مرگ و نیروهای ناشناخته را نیز دربرمی‌گیرد. از این‌رو، آب عنصری دوگانه است که هم می‌تواند زمینه‌ساز آفرینش و تداوم زندگی باشد و هم با نابودی و خطر ارتباط پیدا کند. این دوگانگی در بررسی باورهای عامیانه اسلاوی درباره آب نیز اهمیت دارد (کیم و پارک، ۲۰۲۲).

در باورهای عامیانه اسلاوی، آب علاوه بر نقش طبیعی خود، دارای کارکرد آیینی و تطهیرکننده است. پیوند آب با پاک‌سازی و تجدید حیات در سنت‌های مربوط به شست‌وشوی آیینی و باورهای مرتبط با آب مقدس نمود پیدا می‌کند. با گسترش مسیحیت در سرزمین‌های اسلاوونشین، برخی از تصورات پیشین درباره نیروی شفابخش و تطهیرکننده آب با مفاهیم مسیحی درآمیختند. در نتیجه، آب در برخی سنت‌های عامیانه نه‌تنها با جهان طبیعی و نیازهای مادی انسان، بلکه با پاک‌ی معنوی، رهایی از آلودگی و باززایی نیز پیوند یافت (کیم و پارک، ۲۰۲۲).

یکی دیگر از کارکردهای آب در قصه‌های عامیانه روسی، ایجاد دگرگونی و بازگرداندن حیات است. در برخی روایت‌ها، آب جادویی برای درمان بیماری، ترمیم بدن و زنده‌کردن شخصیت‌های مرده به کار می‌رود. در این داستان‌ها، آب صرفاً وسیله‌ای برای پیشبرد روایت نیست، بلکه عاملی تعیین‌کننده در عبور شخصیت‌ها از موقعیت‌های بحرانی محسوب می‌شود. پژوهش آگورووا درباره کارکرد آب به‌عنوان وسیله‌ای جادویی در قصه‌های پریان روسی، به بررسی این ویژگی‌ها و تحول آن‌ها در ارتباط با باورهای عامیانه و مسیحیت می‌پردازد (آگورووا، ۲۰۱۹).

آب همچنین در باورهای اسلاوی با جهان مردگان و موجودات فراطبیعی ارتباط دارد. در برخی سنت‌های محلی، پهنه‌های آبی محل حضور موجوداتی تصور می‌شوند که به قلمرو ناشناخته تعلق دارند. در چنین تصویری، آب می‌تواند با مرز میان جهان آشنای انسان و قلمرو نیروهای فراطبیعی ارتباط پیدا کند. این پیوند در باورهای مربوط به موجوداتی چون روسالکا و وودیانوی نیز قابل بررسی است؛ هرچند ویژگی‌ها و کارکردهای این موجودات در سنت‌های محلی مختلف یکسان نیستند (کیم و پارک، ۲۰۲۲).

۲/۲. موجودات اسطوره‌ای مرتبط با آب در باورهای اسلاوی

در باورهای عامیانه اسلاوی، ارتباط آب با جهان فراطبیعی در تصور موجوداتی نمود پیدا می‌کند که در رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و دیگر محیط‌های آبی زندگی می‌کنند یا با آن‌ها پیوند دارند. این موجودات بازتابی از تصورات سنتی درباره نیروهای ناشناخته طبیعت و رابطه انسان با محیط پیرامون خود هستند. در میان آن‌ها، روسالکا و وودیانوی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ زیرا هر یک به شیوه‌ای متفاوت، جنبه‌هایی از رابطه آب با زندگی، مرگ، خطر و نیروهای فراطبیعی را بازنمایی می‌کنند. با این حال، ویژگی‌های این موجودات در مناطق مختلف جهان اسلاوی یکسان نیست و باید آن‌ها را در چارچوب روایت‌ها و باورهای محلی بررسی کرد (کیم و پارک، ۲۰۲۲).

۲/۲/۱. روسالکا: پیوند آب، طبیعت و مرگ

روسالکا یکی از موجودات زنانه در باورهای عامیانه اسلاوی شرقی است که با مرگ، آب، پوشش گیاهی و آیین‌های فصلی ارتباط دارد. تصویر این موجود در سنت‌های عامیانه یکدست نیست و نمی‌توان آن را صرفاً زنی زیبا و غرق‌شده دانست که در آب زندگی می‌کند. در روایت‌های مختلف، روسالکا با ارواح مردگان و به‌ویژه افرادی که مرگی زودهنگام یا غیرطبیعی داشته‌اند، ارتباط پیدا می‌کند؛ با این حال، منشأ و ویژگی‌های آن در مناطق مختلف متفاوت است. پژوهش لیودمیلای وینوگرادووا درباره باورهای اسلاوی مرتبط با گل‌دهی گیاهان و نیز مدخل‌های دانشنامه‌ای مربوط به روسالکا و روسالی‌ها، زمینه‌ای برای بررسی این پیوندها فراهم می‌کنند. ارتباط روسالکا با طبیعت به محیط‌های آبی محدود نمی‌شود. در برخی سنت‌های اسلاوی شرقی، این موجود با مزارع، جنگل‌ها، درختان و دوره‌های خاصی از تقویم سنتی پیوند دارد. به‌ویژه، باورهای مرتبط با روسالکا و آیین‌های فصلی نشان می‌دهند که تصور این موجود را باید در ارتباط با چرخه‌های طبیعی و فرهنگی بررسی کرد. هم‌زمانی حضور روسالکا با دوره‌های رشد و گل‌دهی گیاهان، پیوند میان باورهای مربوط به مردگان و دگرگونی‌های فصلی طبیعت را برجسته می‌کند؛ هرچند این ویژگی‌ها در تمام مناطق اسلاوی به یک شکل دیده نمی‌شوند (وینوگرادووا، ۱۹۹۵).

از این منظر، روسالکا شخصیتی چندوجهی است که در محل تلاقی تصورات مربوط به مرگ، طبیعت و جهان فراطبیعی معنا پیدا می‌کند. این ویژگی برای بررسی بازنمایی ادبی روسالکا اهمیت دارد؛ زیرا نویسندگان روسی الزاماً همه عناصر باورهای عامیانه را به آثار خود منتقل نمی‌کنند، بلکه ممکن است آن‌ها را متناسب با ساختار روایت، شخصیت‌پردازی و مضمون اثر بازآفرینی کنند.

۲/۲/۲. وودیانوی: فرمانروای آب در باورهای اسلاوی

وودیانوی یکی از موجودات اسطوره‌ای مرتبط با آب در باورهای اسلاوی شرقی است که معمولاً به‌عنوان روح یا صاحب پهنه‌های آبی شناخته می‌شود. در توصیف‌های عامیانه، او اغلب به شکل پیرمردی با ظاهری غیرعادی یا ویژگی‌های حیوانی تصویر می‌شود. محل حضور او بیشتر رودخانه‌ها، گرداب‌ها، برکه‌ها و محیط‌های آبی مرتبط با آسیاب‌هاست؛ بنابراین، قلمرو او را نباید بدون شواهد مشخص به اقیانوس‌ها و دریاها تعمیم داد. یوگنی کاگارف در پژوهش خود درباره دین اسلاوهای باستان، وودیانوی را موجودی مرتبط با آب معرفی می‌کند که در باورهای عامیانه با خطرهای محیط آبی و فعالیت‌هایی چون ماهیگیری و آسیابانی پیوند دارد (کاگارف، ۱۹۱۸).

در روایت‌های عامیانه، وودیانوی می‌تواند برای انسان خطرناک باشد؛ برای مثال، او را با غرق شدن افراد، ایجاد خطر برای قایق‌ها و آسیب‌رساندن به آسیاب‌ها مرتبط دانسته‌اند. باین‌حال، ویژگی‌های او در همه روایت‌ها یکسان نیست و رابطه انسان با این موجود همیشه به دشمنی محدود نمی‌شود. این دوگانگی با تجربه جوامعی ارتباط دارد که زندگی و معیشت آن‌ها به محیط‌های آبی وابسته بوده است: آب منبع غذا و کار است، اما می‌تواند خطرناک و پیش‌بینی‌ناپذیر نیز باشد. از این منظر، وودیانوی را می‌توان بازتابی اسطوره‌ای از تلاش جوامع محلی برای معنا بخشیدن به نیروهای مهارنشده‌ی طبیعت دانست.

۳. چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر دو رویکرد مکمل استوار است: تخیل مادی آب در اندیشه گاستون باشلار و مفهوم مرز در نشانه‌شناسی یوری لوتمان. انتخاب این دو رویکرد بر آن اساس صورت گرفته است که پژوهش حاضر، از یک سو، به بررسی تصاویر و دلالت‌های آب در آثار ادبی می‌پردازد و از سوی دیگر، نقش این عنصر را در شکل‌گیری مرز میان جهان انسانی و فراطبیعی و ارتباط میان زندگی و مرگ بررسی می‌کند. ترکیب این دو رویکرد امکان می‌دهد آب نه‌تنها به‌عنوان نمادی اسطوره‌ای، بلکه به‌مثابه عنصری مؤثر در سازمان‌دهی فضای ادبی و شکل‌گیری معنای روایت تحلیل شود.

از دیدگاه گاستون باشلار، عناصر طبیعی در تخیل ادبی صرفاً اجزایی برای توصیف محیط نیستند، بلکه می‌توانند در شکل‌گیری تصاویر ذهنی، تداعی‌های عاطفی و معانی ادبی نقش داشته باشند. باشلار در پژوهش خود درباره آب، به بررسی شیوه‌هایی می‌پردازد که این عنصر از طریق ویژگی‌هایی چون جریان، ژرفا، سکون و تیرگی، در تخیل شاعرانه و ادبی معانی متفاوتی پیدا می‌کند. در این چارچوب، آب را نمی‌توان دارای معنایی ثابت و مستقل از متن دانست؛ بلکه باید بررسی کرد که ویژگی‌های آن در ارتباط با تصاویر، شخصیت‌ها و موقعیت‌های روایی چگونه به تولید معنا منجر می‌شوند (باشلار، ۱۹۴۲).

بر این اساس، در تحلیل آثار منتخب، توجه به ویژگی‌های توصیفی آب و نحوه حضور آن در روایت اهمیت دارد. برای مثال، آب آرام، آب ژرف یا آب مرتبط با غرق‌شدن ممکن است در بسترهای روایی متفاوت، تداعی‌هایی مرتبط با اندوه، مرگ، ناشناختگی یا دگرگونی ایجاد کند. باین‌حال، این معانی نباید از پیش و به‌صورت یکسان به هر اثر نسبت داده شوند؛ بلکه باید از طریق خوانش دقیق متن و بررسی ارتباط تصاویر آبی با موقعیت شخصیت‌ها و تحولات روایت مشخص شوند. بنابراین، رویکرد باشلار در این پژوهش ابزاری برای تحلیل تصاویر آب و نقش آن‌ها در شکل‌گیری فضای عاطفی و تخیل ادبی فراهم می‌کند.

رویکرد دوم پژوهش بر مفهوم مرز در نشانه‌شناسی یوری لوتمان استوار است. در این دیدگاه، فضای هنری صرفاً بازنمایی مکانی واقعی نیست، بلکه می‌تواند از طریق تقابل میان قلمروهای معنایی متفاوت سازمان یابد. مرز در این چارچوب، خطی صرفاً جغرافیایی نیست؛ بلکه می‌تواند جدایی میان دو وضعیت، دو جهان یا دو نظام معنایی را نشان دهد. این مفهوم برای تحلیل آثاری مناسب است که در آن‌ها مواجهه شخصیت‌ها با فضاها یا ناشناخته، عبور از محدوده‌های آشنا یا تماس با نیروهای فراطبیعی در شکل‌گیری روایت نقش دارد (لوتمان، ۱۹۷۷).

در پژوهش حاضر، مفهوم مرز برای بررسی نقش رودخانه، دریا و دیگر فضاها آبی در ارتباط میان جهان انسانی و فراطبیعی به کار گرفته می‌شود. پرسش اصلی این است که آیا آب در هر اثر صرفاً بخشی از محیط داستانی است یا در سازمان‌دهی تقابل میان قلمروهای متفاوت و شکل‌گیری موقعیت‌های بحرانی نیز نقش دارد. بر این اساس، تحلیل به بررسی چگونگی ترسیم مرز

میان جهان زندگان و مردگان، فضای آشنا و ناشناخته و تجربه روزمره و رخداد فراطبیعی می‌پردازد. همچنین، نحوه مواجهه شخصیت‌ها با این مرزها و پیامدهای عبور یا ناتوانی از عبور از آن‌ها در روند روایت بررسی می‌شود.

ترکیب این دو رویکرد، مبنای تحلیلی پژوهش را تشکیل می‌دهد. رویکرد باشلار برای بررسی تصاویر آب، تداعی‌های عاطفی و نقش آن در شکل‌گیری تخیل ادبی به کار می‌رود؛ درحالی‌که مفهوم مرز لوتمان امکان تحلیل نقش فضای آبی در سازمان‌دهی قلمروهای معنایی و پیشبرد روایت را فراهم می‌کند. این دو سطح تحلیل در کنار یکدیگر به بررسی سه اثر منتخب، یعنی نمایشنامه ناتمام «روسالکا» اثر الکساندر پوشکین، داستان «شب ماه مه، یا دختر غرق‌شده» اثر نیکلای گوگول و داستان «تامان» از رمان «قهرمان عصر ما» اثر میخائیل لرمانتف، کمک می‌کنند.

۴. تحلیل اسطوره‌ای آب در ادبیات روسی

در این بخش، بازنمایی آب و موجودات اسطوره‌ای وابسته به آن در سه اثر از ادبیات روسی بررسی می‌شود: «روسالکا» اثر الکساندر پوشکین، «شب ماه مه یا دختر غرق‌شده» اثر نیکلای گوگول و «تامان» از رمان قهرمان عصر ما اثر میخائیل لرمانتف. تحلیل بر دو محور استوار است: نخست، معانی نمادین آب و ارتباط آن با مرگ، دگرگونی و مرز میان جهان‌ها؛ دوم، چگونگی بازآفرینی عناصر فولکلوریک در شخصیت‌پردازی و ساختار روایت. تفاوت میان این آثار نشان می‌دهد که آب و موجودات وابسته به آن، بسته به شیوه روایت و جهان ادبی هر نویسنده، کارکردهای متفاوتی پیدا می‌کنند.

۴/۱. نمایشنامه ناتمام «روسالکا» اثر الکساندر پوشکین

نمایشنامه «روسالکا» از آثار ناتمام الکساندر پوشکین است که در زمان حیات نویسنده به پایان نرسید و پس از مرگ او منتشر شد. شخصیت محوری اثر، دختر آسیابانی است که با شاهزاده رابطه‌ای عاشقانه برقرار می‌کند؛ اما شاهزاده او را رها می‌کند و با زنی دیگر ازدواج می‌کند. دختر آسیابان که از این طردشدگی رنج می‌برد، خود را به رود دنیپر می‌اندازد و غرق می‌شود. او پس از مرگ به جهان زیر آب راه می‌یابد و به روسالکا تبدیل می‌شود. سال‌ها بعد، در جایگاه ملکه روسالکاها، همچنان با خاطره رنج گذشته و میل به انتقام از شاهزاده زندگی می‌کند. بدین ترتیب، روایت مرگ را نه پایان کامل حضور شخصیت، بلکه نقطه آغاز دگرگونی هویت او در جهانی فراطبیعی به تصویر می‌کشد (پوشکین، ۱۹۶۰).

در این اثر، رود دنیپر نقشی فراتر از محل وقوع حادثه دارد و در ساختار معنایی روایت مشارکت می‌کند. غرق‌شدن دختر آسیابان به گسست او از جهان انسانی می‌انجامد، اما هم‌زمان امکان ورودش به جهانی دیگر را فراهم می‌آورد. از این منظر، آب دو کارکرد به‌هم‌پیوسته دارد: نیرویی ویرانگر که زندگی پیشین شخصیت را پایان می‌دهد و فضایی که در آن هویت تازه او شکل می‌گیرد. بنابراین، رودخانه را می‌توان مرزی میان زندگی و مرگ و نیز میان موقعیت اجتماعی پیشین دختر و جایگاه جدید او در جهان زیر آب تفسیر کرد. این خوانش با رویکرد گاستون باشلار به تخیل مادی آب ارتباط دارد؛ رویکردی که امکان بررسی پیوندهای ادبی آب با مرگ، دگرگونی و تجربه عاطفی را فراهم می‌کند (باشلار، ۱۹۴۲). بااین‌حال، این تحلیل به معنای آن نیست که آب در نمایشنامه الزاماً نماد تجدید حیات به معنای عام و ثابت آن است؛ معنای آن باید در ارتباط با سرنوشت و وضعیت خاص شخصیت بررسی شود.

از منظر نشانه‌شناسی فضا نزد یوری لوتمان نیز، جهان زیر آب را می‌توان قلمرویی متمایز از جهان زندگان دانست که عبور به آن، جایگاه و امکان کنش شخصیت را دگرگون می‌کند. دختر آسیابان در زندگی زمینی در برابر شاهزاده، که از قدرت و منزلت اجتماعی بیشتری برخوردار است، موقعیتی آسیب‌پذیر دارد؛ اما پس از مرگ، در مقام ملکه روسالکها، به شخصیتی برخوردار از قدرت و اختیار در جهان زیر آب تبدیل می‌شود. در این خوانش، عبور از مرز آبی صرفاً انتقال مکانی نیست، بلکه با تغییر موقعیت شخصیت در ساختار قدرت روایت همراه است. این تفسیر را می‌توان با مفهوم مرز و تفاوت میان فضاهای معنایی در نظریه لوتمان صورت‌بندی کرد (لوتمان، ۱۹۷۷).

یکی از ویژگی‌های مهم بازآفرینی اسطوره در نمایشنامه پوشکین، پیوند دادن سرنوشت روسالکا با نابرابری اجتماعی و روابط قدرت است. دختر آسیابان و شاهزاده از جایگاه اجتماعی یکسانی برخوردار نیستند: شاهزاده می‌تواند رابطه را ترک کند و با زنی دیگر ازدواج کند، درحالی‌که دختر با پیامدهای عاطفی و وجودی این تصمیم مواجه می‌شود. از این‌رو، طردشدگی او را نمی‌توان صرفاً به شکست یک رابطه عاشقانه تقلیل داد؛ این رخداد در بستری شکل می‌گیرد که در آن قدرت انتخاب و تعیین سرنوشت میان دو شخصیت به‌طور برابر توزیع نشده است. در نتیجه، روایت اسطوره‌ای روسالکا با مسئله‌ای انسانی و اجتماعی پیوند می‌خورد و رنج شخصیت را در چارچوب روابط نابرابر قدرت قابل‌فهم می‌سازد.

تبدیل دختر آسیابان به ملکه روسالکها این نابرابری را از میان نمی‌برد، بلکه صورت آن را تغییر می‌دهد. شخصیتی که در زندگی زمینی در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار داشت، پس از مرگ به جایگاهی دست می‌یابد که امکان کنش و پیگیری انتقام را برای او فراهم می‌کند. با این حال، روسالکای پوشکین را نباید صرفاً نماد انتقام دانست. اهمیت تراژیک شخصیت در پیوند میان عشق، رنج، خاطره و دگرگونی هویت نهفته است: او از گذشته انسانی خود جدا نمی‌شود و تجربه طردشدگی همچنان در میل او به رویارویی با شاهزاده حضور دارد. از آنجا که نمایشنامه ناتمام است، باید میان میل شخصیت به انتقام و تحقق‌نهایی آن تمایز گذاشت؛ متن امکان بررسی این میل را فراهم می‌کند، اما پایان قطعی آن را نشان نمی‌دهد (پوشکین، ۱۹۶۰).

۴/۲. «شب ماه مه یا دختر غرق‌شده» اثر نیکلای گوگول

داستان «شب ماه مه یا دختر غرق‌شده» از مجموعه شب‌هایی در مزرعه‌ای نزدیک دیکانکا اثر نیکلای گوگول، در فضای روستایی اوکراین شکل می‌گیرد و روایت عاشقانه لوکو و هانا را با داستانی درباره دختری غرق‌شده و روسالکها، موجودات زنانه مرتبط با آب در باورهای عامیانه اسلاوی، پیوند می‌دهد. لوکو که خواهان ازدواج با هانا است، با مخالفت پدرش، کدخدای روستا، روبه‌رو می‌شود. در جریان رویدادهای شبانه، او با روایت دختری آشنا می‌شود که پس از تحمل ستم نامادری خود، به زندگی‌اش پایان داده و پس از مرگ در شمار روسالکها درآمده است (گوگول، ۱۹۴۰).

در روایت دختر غرق‌شده، آب با مرگ و رنج پیوند دارد، اما به قلمرو پایان زندگی محدود نمی‌ماند. دختر پس از مرگ در برکه و در میان روسالکها حضور دارد، با این حال، گذشته دردناک او همچنان بر وضعیتش سایه افکنده است. نامادری ستمگر نیز به روسالکا تبدیل شده و در میان دیگر موجودات آبی پنهان است. دختر برای شناسایی او از لوکو کمک می‌خواهد؛ زیرا نمی‌تواند هویت کسی را که در میان روسالکها پنهان شده است، به‌تنهایی تشخیص دهد. لوکو با مشاهده رفتار و حرکات آن‌ها، سرانجام نامادری را شناسایی می‌کند. در ادامه، دختر یادداشتی در اختیار او می‌گذارد که به رفع مخالفت پدرش با ازدواج او و هانا کمک می‌کند. بدین ترتیب، روایت دختر غرق‌شده در حل تعارض داستان عاشقانه نقشی تعیین‌کننده می‌یابد (گوگول، ۱۹۴۰).

از منظر تخیل مادی آب نزد گاستون باشلار، می‌توان برکه را فضایی دانست که در آن آب با مرگ، خاطره و تداوم رنج پیوند می‌خورد. دختر غرق‌شده از جهان زندگان جدا شده است، اما مرگ به معنای گسست کامل او از گذشته نیست؛ تجربه ستم همچنان در جهان پس از مرگ نیز بر او اثر می‌گذارد. آب در این خوانش، نه صرفاً عنصری طبیعی و نه فقط نماد مرگ، بلکه بخشی از فضایی است که در آن خاطره رنج بازمی‌گردد و امکان مواجهه با عامل آن فراهم می‌شود. این تفسیر با رویکرد باشلار به پیوند میان آب و تخیل ادبی قابل بررسی است (باشلار، ۱۹۴۲).

از منظر نشانه‌شناسی فضا نزد یوری لوتمان نیز، برکه و جهان روسالکاها را می‌توان فضایی مرزی میان جهان زندگان و مردگان در نظر گرفت. این مرز در داستان نفوذناپذیر نیست؛ لوکو، انسانی زنده، وارد قلمرو روسالکاها می‌شود و در حل مسئله‌ای که به جهان مردگان تعلق دارد، مشارکت می‌کند. حضور او در این فضا به پیشبرد روایت اصلی و حل تعارض خانوادگی‌اش نیز کمک می‌کند. بنابراین، فضای آبی داستان هم جهانی فراطبیعی را آشکار می‌سازد و هم امکان دگرگونی وضعیت شخصیت‌های زنده را فراهم می‌آورد. این برداشت را می‌توان با مفهوم مرز در نشانه‌شناسی فضای لوتمان تحلیل کرد (لوتمان، ۱۹۷۷).

۴/۳. داستان «تامان» از رمان قهرمان عصر ما اثر میخائیل لرمانتف

در چارچوب این پژوهش، داستان «تامان» نمونه‌ای از بازآفرینی ادبی پیوند میان آب، ناشناختگی و شخصیت زنانه است. برخلاف «روسالکا»ی پوشکین و «شب ماه مه یا دختر غرق‌شده»ی گوگول، در این داستان با موجودی فراطبیعی روبه‌رو نیستیم؛ دختر جوان انسانی واقعی است که حضورش در فضای ساحلی و ارتباطش با قاقچیان، او را در نگاه پچورین به شخصیتی رازآلود و هراس‌انگیز تبدیل می‌کند. بنابراین، اهمیت اسطوره‌ای آب در این اثر نه در حضور مستقیم موجودات آبی، بلکه در تداوم و دگرگونی شیوه‌های ادبی بازنمایی امر ناشناخته آشکار می‌شود.

این بازنمایی را می‌توان با توجه به مفهوم تخیل مادی گاستون باشلار بررسی کرد. در این چارچوب، آب صرفاً عنصری طبیعی نیست، بلکه می‌تواند در تخیل ادبی با بی‌ثباتی، خطر، ژرفا و ناتوانی انسان از تسلط کامل بر محیط پیوند یابد. در «تامان»، دریا هم فضای فعالیت پنهانی قاقچیان است و هم محل رویارویی مرگبار پچورین با دختر جوان. در نتیجه، آب در سازمان‌دهی تجربه شخصیت اصلی نقشی فعال پیدا می‌کند؛ پچورین که در آغاز می‌کوشد از طریق مشاهده، راز دیگران را کشف کند، در مواجهه با دریا درمی‌یابد که شناخت او از محیط و ساکنان آن محدود است. این خوانش، تفسیری از کارکرد ادبی آب در داستان است، نه ادعایی مبنی بر اینکه لرمانتف الزاماً از الگوی اسطوره‌ای مشخصی پیروی کرده است.

از منظر نشانه‌شناسی فضا و مفهوم مرز نزد یوری لوتمان نیز، ساحل و دریا را می‌توان فضایی آستانه‌ای دانست که در آن مرز میان جهان آشنا و ناشناخته، مشاهده و تجربه، و امنیت و خطر ناپایدار می‌شود. ورود پچورین به این فضا، او را با واقعیتی مواجه می‌کند که نمی‌تواند به سادگی آن را در چارچوب انتظارات خود توضیح دهد یا تحت کنترل درآورد. در همین بستر، تعبیر «اوندین» (Undine) که پچورین برای دختر به کار می‌برد، اهمیت می‌یابد: این نام‌گذاری، شخصیت واقعی دختر را با تصویر ادبی زن آبی و افسونگر پیوند می‌دهد، اما او را به موجودی فراطبیعی تبدیل نمی‌کند. بدین ترتیب، امر اسطوره‌ای در «تامان» بیش از آنکه ویژگی ذاتی شخصیت باشد، حاصل فرایند ادراک و بازنمایی او در روایت است.

مقایسه این داستان با دو اثر پیشین، تفاوت شیوه‌های بازآفرینی اسطوره آب را روشن‌تر می‌کند. در «روسالکا»ی پوشکین، شخصیت زن با مرگ، رنج و میل به انتقام پیوند می‌خورد؛ در اثر گوگول، دختر غرق‌شده در ساختار روایی و حل تعارض

داستان نقشی فراطبیعی پیدا می‌کند؛ اما در «تامان»، تصویر زن آبی در قالب تشبیه و نام‌گذاری ادبی به شخصیتی انسانی و زمینی انتقال می‌یابد. این تفاوت را نباید مرحله‌ای از تحول خطی اسطوره دانست؛ بلکه می‌توان آن را نشان‌دهنده سه شیوه متمایز استفاده ادبی از مجموعه‌ای از تداعی‌های فرهنگی مرتبط با آب، مرگ، خطر و زنانگی تفسیر کرد. از این منظر، «تامان» برای استدلال اصلی مقاله اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد که بازتاب اسطوره در ادبیات روسی لزوماً به بازنمایی مستقیم موجودات فراطبیعی محدود نیست و می‌تواند در زبان توصیف، ساخت فضای روایی و نگاه شخصیت راوی نیز ادامه یابد (لرمانتف، ۱۹۶۲).

۵. بررسی تطبیقی: دگرگونی نماد آب و موجودات آبی در سه اثر ادبی روسی

مقایسه «روسالکا» اثر پوشکین، «شب ماه مه یا دختر غرق‌شده» اثر گوگول و داستان «تامان» از رمان قهرمان عصر ما اثر لرمانتف نشان می‌دهد که آب در هر سه اثر نقشی فراتر از عنصر طبیعی دارد؛ باین‌حال، کارکرد نمادین آن متناسب با ساختار روایت و شیوه بازنمایی موجودات آبی تغییر می‌کند.

نخست، آب در هر سه اثر با مفهوم مرز و گذار ارتباط دارد، اما این مرز شکل‌های متفاوتی پیدا می‌کند. در نمایشنامه پوشکین، رودخانه دنیپر با مرگ دختر آسیابان و تبدیل شدن او به روسالکا پیوند دارد و مرز میان زندگی و مرگ را با تجربه رهاشدگی و ستم در روابط انسانی مرتبط می‌کند. در داستان گوگول، برکه فضایی برای ارتباط میان زندگان و روسالکاهاست و امکان حضور جهان فراطبیعی در رویدادهای زندگی روزمره را فراهم می‌کند. در مقابل، در «تامان» لرمانتف، دریا بیش از آنکه مرز میان زندگان و مردگان باشد، محدوده مواجهه پجورین با جهانی ناشناخته و خطرناک است.

دوم، کارکرد اخلاقی و روایی آب از اثری به اثر دیگر تغییر می‌کند. در نمایشنامه ناتمام پوشکین، مرگ در آب با رنج دختر و انگیزه انتقام او پیوند دارد؛ در داستان گوگول، برکه و روسالکا در روند آشکارشدن هویت نامادری و حل تعارض‌های روایت نقش دارند؛ اما در «تامان»، دریا به فضایی برای خطر، بی‌ثباتی و ناکامی در شناخت دیگری تبدیل می‌شود. بنابراین، نمی‌توان این تفاوت را صرفاً حرکتی خطی از فولکلور به ادبیات مدرن دانست؛ دقیق‌تر آن است که بگوییم هر نویسنده، با توجه به ساختار و هدف روایی اثر خود، جنبه‌ای متفاوت از آب را برجسته می‌کند.

سوم، بازنمایی موجود آبی از شخصیتی تراژیک و دارای گذشته فردی به شخصیتی یاری‌رسان و سپس به تصویری ادبی و استعاری تغییر می‌کند. روسالکای پوشکین گذشته، رنج و انگیزه‌هایی دارد که او را به شخصیتی مستقل و قدرتمند تبدیل می‌کند. دختر غرق‌شده گوگول نیز گذشته‌ای دردناک دارد، اما برای شناسایی عامل ستم و کمک به قهرمان و وصال دو نفر دیگر وارد عمل می‌شود. در «تامان»، دختر فرینده در روایت انسانی واقعی است و نه روسالکایی فراطبیعی. این تفاوت نشان می‌دهد که حضور تصاویر اسطوره‌ای در ادبیات الزاماً به معنای بازتولید مستقیم باورهای عامیانه نیست.

چهارم، مقایسه با باورهای عامیانه اسلاوی نشان می‌دهد که آثار منتخب تنها بخشی از مجموعه گسترده معانی مرتبط با روسالکا را بازنمایی می‌کنند. در باورهای سنتی، روسالکاها در برخی مناطق با مردگان، چرخه‌های فصلی، پوشش گیاهی و آیین‌های مرتبط با باروری پیوند داشته‌اند؛ باین‌حال، این ویژگی‌ها در همه مناطق و روایت‌ها یکسان نیستند. در سه اثر بررسی‌شده، جنبه‌های فردی، عاطفی و روایی این موجودات برجسته‌تر از کارکردهای کشاورزی و آیینی آن‌هاست. همچنین، وودیانوی، موجود مردانه آب در باورهای اسلاوی، در این آثار جایگاهی به اندازه روسالکا ندارد. (وینوگرادووا، ۱۹۹۵)

در مجموع، مقایسه این سه اثر نشان می‌دهد که آب در ادبیات روسی معنایی ثابت و مستقل از متن ندارد. رودخانه پوشکین با مرگ، رنج و انتقام پیوند می‌خورد؛ برکه گوگول زمینه ارتباط با جهان مردگان و حل تعارض را فراهم می‌کند؛ و دریای لرمانتف به نشانه‌ای از خطر، ناشناختگی و محدودیت شناخت انسان تبدیل می‌شود. هم‌زمان، شخصیت زن مرتبط با آب از روسالکایی تراژیک به موجودی یاری‌رسان و سپس به تصویری استعاری تغییر می‌کند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهند که ادبیات نه صرفاً ناقل باورهای فولکلوریک، بلکه عرصه‌ای برای گزینش، بازآرایی و دگرگون کردن آن‌هاست.

۶. نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آب در سه اثر بررسی شده، عنصری با معنای ثابت و مستقل از متن نیست؛ کارکرد آن در پیوند با ساختار روایت، شخصیت‌پردازی و زمینه فرهنگی هر اثر شکل می‌گیرد. در «روسالکا»ی پوشکین، رود دنیپر با مرگ دختر آسیابان و دگرگونی هویت او ارتباط می‌یابد، اما این دگرگونی به معنای پایان رنج یا حل تعارض نیست. در «شب ماه مه، یا دختر غرق شده»ی گوگول، برکه فضایی برای تلاقی جهان انسانی و فراطبیعی است و در آشکارشدن هویت پنهان و حل تعارض روایی نقش دارد. در «تامان» لرمانتف، دریا با خطر و ناشناختگی پیوند می‌خورد و تصویر اوندینا نشان می‌دهد که تداعی‌های اسطوره‌ای می‌توانند از طریق زبان و ادراک راوی نیز در متن ادبی فعال شوند.

مقایسه این آثار همچنین ضرورت تمایز میان باور فولکلوریک و بازنمایی ادبی آن را روشن می‌کند. روسالکای پوشکین و گوگول، با وجود پیوند با سنت‌های عامیانه، در چارچوب ساختار و اهداف روایی هر اثر شکل گرفته‌اند؛ در مقابل، دختر «تامان» موجودی انسانی است که از طریق نام‌گذاری و توصیف راوی با تصاویر ادبی و اسطوره‌ای مرتبط می‌شود. بنابراین، نمی‌توان حضور عناصر آبی و اسطوره‌ای در این آثار را صرفاً تداوم مستقیم باورهای کهن دانست.

یافته اصلی پژوهش آن است که بازآفرینی ادبی آب و موجودات وابسته به آن، از طریق تغییر کارکرد نمادین، جایگاه روایی و شیوه شخصیت‌پردازی صورت می‌گیرد. بررسی تطبیقی این سه اثر نشان می‌دهد که تحلیل اسطوره‌شناختی ادبیات زمانی به نتیجه‌ای دقیق‌تر می‌رسد که در کنار شناخت سنت‌های فولکلوریک، به شواهد متن، ساختار روایت و تفاوت‌های فرهنگی نیز توجه کند.

فهرست منابع

۱. زیولکوفسکی، م. (۲۰۱۱). *رودخانه‌ها در ادبیات روسی*. نیوآرک: انتشارات دانشگاه دلاور.
۲. زیداریک، و. (۲۰۰۳). «موجودات آبی و روسالکاها در ادبیات و اپرای آلمان و روسیه در سده نوزدهم». *مجله ادبیات تطبیقی*، شماره ۳۰۵، صفحات ۲۲ تا ۵.
۳. وینوگرادووا، ل. (۱۹۹۵). «روسالکا در آیین‌ها و باورهای اسلاوها». *مجله روسیه‌شناسی*، شماره ۸، صفحات ۹۱ تا ۱۰۳.
۴. بوگدانوا، ا. و لیو، م. (۲۰۲۲). «جهان پری‌دریایی روسیا: بن‌مایه‌ها و تصاویر افسانه‌ای و اسطوره‌شناختی در داستان کوتاه ایوان بونین». *فیلولوژی: نظریه و عمل*، جلد ۱۵، شماره ۱۱.

۵. کیم، ه. و پارک، ی. (۲۰۲۲). «بن‌مایه اسطوره‌ای آب در باورهای عامیانه/اسلاوها». فصلنامه مطالعات خارجی، شماره ۶۰، صفحات ۲۹۳ تا ۳۲۰.
۶. آدزیم، ر. (۲۰۲۱). «تصویر روسالکای غرق‌شده در ادبیات رمانتیک روسیه». پیام‌رسان نوین فیلولوژی، جلد ۱، شماره ۵۶، صفحات ۱۲۷ تا ۱۳۷.
۷. اگوروا، ا. (۲۰۱۹). «ویژگی‌های کارکرد آب به‌مثابه ابزار جادویی در قصه‌های پریان». جنبه فیلولوژیک، شماره ۴۹.
۸. پُگربنایا، ی. (۲۰۲۱). «نشانه‌شناسی کهن‌الگوی آب در رمان قهرمان عصر ما اثر م. یو. لرمانتف». فیلولوژی: نظریه و عمل، جلد ۱۴، شماره ۱۰.
۹. ماخال، یان. (۱۹۱۸). «روح آب». در کتاب اسطوره‌شناسی اقوام جهان، جلد سوم: اسطوره‌شناسی سلتی و اسلاوی. بوستون: انتشارات مارشال جونز.

۱۰. البیاده، میرچا. (۱۹۵۸). *الگوهای در دین‌پژوهی تطبیقی*.

۱۱. باشلار، گاستون. (۱۹۴۲). *آب و رؤیاها: جستاری درباره تخیل مادی*.

۱۲. پوشکین، الکساندر. (حدود ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۲). *روسالکا. نمایشنامه ناتمام*.

۱۳. گوگول، نیکلای. (۱۸۳۱). *شب ماه مه، یا دختر غرق‌شده*.

۱۴. لرمانتف، میخائیل. (۱۸۴۰). *قهرمان عصر ما، بخش «تامان»*.

اظهارنامه‌ها

حمایت مالی: نویسنده برای انجام این پژوهش از هیچ منبع مالی خارجی حمایتی دریافت نکرده‌اند.

تعارض منافع: نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

دسترسی به داده‌ها: قابل اجرا نیست (مقاله‌ی مفهومی/نظری).

مشارکت نویسنده: ثمین بابازاده: مفهوم پردازی، تلفیق و مرور پیشینه، طراحی چارچوب، نگارش پیش‌نویس اصلی، بازبینی و ویرایش.